پیشخوان

عزل قائم‌مقام وقت رهبری، در آیینه خاطرات سیاسی آیت‌الله محمد محمدی ری شهری

تصمیم تاریخی امام خمینی برای بقای نظام اسلامی

شاهد توحیدی

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، «خاطرات سیاسی» عنوان گرفته و یادمان‌های اولین وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی، از رویداد عزل تنها قائم مقام رهبری انقلاب اسلامی را در بردارد.

تارنمای پژوهشکده تاریخ معاصر ایران به عنوان ناشر کتاب، در باب اهمیت اقدام زنده‌یاد آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری در تألیف آن آورده است: «کتاب خاطرات سیاسی آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری که برای نخستین بار سی‌وچندسال قبل منتشر شده بود، به همت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، مجدداً تجدید چاپ شد. این کتاب که خاطرات آیت‌الله ری‌شهری از ماجرای پرونده سیدمهدی هاشمی است، نخستین بار در سال ۱۳۶۹ نشر یافت. مرحوم ری‌شهری که در بازه سال‌های ۶۳ تا ۶۸ عهده‌دار مسئولیت وزارت اطلاعات بود، پس از رحلت امام، خاطرات خود از فراز و فرود برخورد با سیدمهدی هاشمی و حواشی آن از جمله مواضع آیت‌الله منتظری را در قالب این کتاب منتشر کرد. با توجه به رحلت مرحوم ری‌شهری و گذشت سه دهه از چاپ کتاب خاطرات سیاسی و کمیاب بودن آن، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی تصمیم به تجدیدچاپ این کتاب، همراه با برخی اسناد و ضمائم جدید گرفت...».

ماهنامه الکترونیکی تاریخ معاصر ایران نیز جایگاه «خاطرات سیاسی» در تحلیل موضوع خویش را به ترتیب پی آمده تشریح نموده است: «کتاب خاطرات سیاسی آیت‌الله ری‌شهری را باید از نخستین گام‌های تاریخ‌نگاری امنیتی در جمهوری اسلامی دانست. انتشار خاطرات وزیر اطلاعات وقت از یک پرونده سرنوشت‌ساز و حساس نظام، آن هم در حالی که کمتر از یک‌سال از تحویل مسئولیت آن وزارتخانه می‌گذرد،

آیت‌الله محمد محمدی ری شهری

اقدامی خط‌شکنانه بود که تا سال‌ها پس از آن نظیر و مشابهی نداشت. حساسیت‌های امام نسبت به انحراف فکری و ترورهای منتسب به طیف سیدمهدی هاشمی و برادرش سیدهادی و گسترش افکار و تشکل‌های وابسته به آنان در داخل و خارج و به‌خصوص در حوزه علمیه قم و در حاشیه امن و حمایت همه جانبه آیت‌الله منتظری به عنوان قائم مقام رهبری و تأثیرپذیری ایشان از آنها از مسائل مهم و حیاتی بود که سرعت اتفاقات و تحولات دهه ۶۰، باعث شده بود ناگفته باقی مانده و بسیاری از مردم و حتی خواص سیاسی کشور، نسبت به آن توجیه نباشند. مسئله‌ای که فراگیری آن باعث شد تا امام خمینی در بخشی از نامه فروردین ۶۸ خود به نمایندگان مجلس و وزرا درباره‌اش بنویسند: شنیدم در جریان امر حضرت آقای منتظری نیستید و نمی‌دانید قضیه از چه قرار است! همین قدر بدانید که پدر پیرتان بیش از دو سال است در اعلامیه‌ها و پیغام‌ها تمام تلاش خود را نموده است تا قضیه بدین جا ختم نگردد، ولی متأسفانه موفق نشد. از طرف دیگر وظیفه شرعی اقتضا می‌کرد تا تصمیم لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد، بنابراین با دلی پرخون، حاصل عمرم را برای مصلحت نظام و اسلام کنار گذاشتم. ان‌شاءالله خواهران و برادران، در آینده تا اندازه‌ای روشن خواهند شد... روشن‌شدن جنبه‌های مختلف ماجرای آیت‌الله منتظری که مورد تأکید امام بود، یک ماه پیش از رحلت امام با انتشار رنجنامه یادگار امام آغاز و کمتر از یک‌سال پس از رحلت امام با انتشار کتاب خاطرات سیاسی آیت‌الله ری‌شهری از سوی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی ادامه یافت. انتشار این کتاب در آن بازه‌زمانی، با استقبال گسترده جامعه روبه‌رو و باعث شد این کتاب که شامل اسناد تاریخی و نامه‌های منتشرنشده متعددی بود، در مدت کوتاهی در تیراژ وسیع تجدید چاپ گردد. هرچند بعدها کتاب خاطرات سیاسی با افزوده‌شدن خاطرات آیت‌الله ری‌شهری از عزل آیت‌الله منتظری تکمیل و با نام سنجه انصاف منتشر شد، اما متن این کتاب به عنوان یک سند دست اول تاریخی از یک راوی معتبر، در حافظه تاریخی انقلاب اسلامی ماندگار گشت...».

۳۱ تیر ۱۳۵۹. نمایی از مراسم تحلیف ابوالحسن بنی صدر در مجلس شورای اسلامی

بعد از قطعیت مخالفت مجلس با گزینه بنی‌صدر برای نخست وزیری، اختلاف دولت و پارلمان فزونی گرفت. ابوالحسن بنی‌صدر در ستون «روزها بر رئیس جمهور چگونه می‌گذرد» در روزنامه انقلاب اسلامی، از توطئه علیه خود نوشت! در مقابل روزنامه جمهوری اسلامی از قول آیت‌الله بهشتی، درباره اختلاف حزب جمهوری اسلامی با رئیس‌جمهور تیتر زد: «در زمینه رعایت معیارهای اسلامی، سازش مصلحت‌جویانه را حرام می‌دانیم...»

روند اختلافات ابوالحسن بنی‌صدر و شهید محمدعلی رجائی در تشکیل کابینه از دریچه مطبوعات وقت

کارشکنی بنی‌صدر و کابینه‌ای که تکمیل نشد!

انوشه میرمرعشی

مردادماه، در عموم سال‌هایی که در نظام جمهوری اسلامی ایران انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده، محملی برای برگزاری جلسه تنفیذ حکم ریاست جمهوری افراد منتخب از سوی ولی فقیه و همچنین تشکیل کابینه و دولت آنها بوده است. تشکیل اولین کابینه دولت در نظام جمهوری اسلامی نیز نخستین بار در مرداد سال ۱۳۵۹. ش انجام شد. البته در ۱۵ بهمن ۱۳۵۸. ش حکم ریاست جمهوری ابوالحسن بنی صدر از سوی حضرت امام خمینی بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی تنفیذ شده بود، اما تشکیل کابینه دولت، در مرداد سال ۱۳۵۹. ش و پس از انتخاب نخست وزیر، یعنی شهید محمدعلی رجائی اتفاق افتاد. انتخاب و تشکیل کابینه‌ای که با روندی پیچیده و حوادث عجیب سیاسی همراه بود که در مقال پی آمده روند آن مورد بررسی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

پیش زمینه‌های سیاسی تشکیل اولین کابینه دولت

بر اساس اصل ۱۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی- پیش از اصلاح قانون اساسی و حذف عنوان نخست‌وزیری در قوه مجریه در سال ۱۳۶۸. ش- رئیس جمهور باید فردی را برای تصدی پست نخست‌وزیری معرفی می‌کرد. سپس رئیس جمهور می‌توانست پس از کسب رأی تمایل نمایندگان مجلس شورای اسلامی، حکم نخست‌وزیری وی را امضا کند.[1] به همین دلیل ابوالحسن بنی‌صدر پس از تکیه زدن بر کرسی ریاست قوه مجریه باید «نخست‌وزیر» مورد نظر خود را انتخاب می‌کرد، اما از آنجا که هنوز انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار نشده بود، باید برای تشکیل دولت کمی صبر می‌کرد. طبق قانون، شورای انقلاب اسلامی بر حسب وظیفه، مأمور برگزاری انتخابات اولین دوره «مجلس شورای اسلامی» بود و به همین دلیل، این شورا اندکی پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، زمان برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی را جمعه ۲۴ اسفند ۱۳۵۸. ش اعلام کرد.[2] با مشخص شدن زمان برگزاری انتخابات مجلس و شروع ثبت نام کاندیداها، گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی، شروع به معرفی کاندیداهای مورد نظر خود کردند. در این میان حزب جمهوری اسلامی نیز فعالیت خود را برای ارائه لیست کاندیداهای مورد حمایت حزب در سرتاسر کشور گسترش داد. اما جالب بود که به رغم عدم موفقیت نامزد حزب جمهوری اسلامی در انتخابات ریاست جمهوری (که ماجرایی طولانی و پیچیده داشت)، فعالیت نامزدهای مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی با اقبال زیادی از سوی مردم مواجه شده بود.

گرایش مردم به حزب جمهوری اسلامی، باعث شد طرفداران بنی صدر شروع به موضع گیری علیه حزب کنند. مثلاً محمد بخت یار (صاحب امتیاز مجاهد ایران) در سرمقاله ۵ اسفند ۵۸ این هفته نامه، با عنوان «مرد میدان خواهید بود یا عروس پس پرده؟» در اهانتی آشکار به نامزدهای نمایندگی مجلس که از طرف حزب جمهوری اسلامی معرفی شده بود، نوشت: «در هر حال اولین دوره مجلس شورای ملی- اسلامی ایران به زودی افتتاح خواهد شد و امیدوارم همه آنهایی که دلشان برای کرسی نمایندگی لک زده، به مراد خود برسند...»[3]

روزنامه انقلاب اسلامی هم در تاریخ ۲۱ اسفند ۵۸، علاوه بر درج اسامی کاندیداهای مورد حمایت دفتر همکاری‌های مردم و رئیس‌جمهور، در صفحه اول خود تیتر زد: «حدود ۴۵ درصد از مردم یا نمی‌دانند به چه کسی رأی بدهند یا رأی نمی‌دهند...» و سپس سردبیر روزنامه در سرمقاله همان شماره با عنوان «مطبوعات و انتخابات»، ضمن اشاره به نتیجه نظرسنجی که تیتر یک روزنامه شده بود، نوشت: «همانطور که به دفعات یادآور شده‌ایم، مجلس هم باید با رئیس‌جمهوری هماهنگ باشد و هم باید قوی باشد تا بتواند تصمیمات اساسی را بدون قیل و قال اتخاذ کند. مجلس ضعیف نه تنها نخواهد توانست در رهبری کشور شرکت کند، بلکه زیر فشار جریان‌های بیرون مجلس خرد می‌گردد و ناگزیر از آنها پیروی می‌کند...»[4] نتیجتاً این روزنامه با نیش و کنایه از مردم خواسته بود به نامزدهای حزب جمهوری اسلامی که منتقد سیاست‌های اندیشگی و عملیاتی بنی‌صدر بودند، رأی ندهند!

از طرف دیگر روزنامه بامداد، دو روز مانده به برگزاری انتخابات مجلس، ضمن درج پیام بنی صدر درباره انتخابات و اعتراض او به مراکز تصمیم گیری خودکامه [!]، در صفحه ۹ اقدام به درج دو مقاله کرد. در یکی از آن مقاله‌ها با عنوان «دولت قانونی کشور باید هرچه زودتر قدرت را به دست گیرد» به قلم دکتر ورجاوند «هرنوع عنوان خارج از مجلس شورای ملی را تجاوز به حقوق مردم» خوانده و به عنوان مجلس شورای اسلامی اعتراض شده بود. اما در مقاله دیگر با عنوان «ایران بعد از انقلاب را چگونه بسازیم» به قلم ابوالفضل میرشمس شهشهانی (دادستان سابق تهران)، ضمن حمایت از کاندیداهای طرفدار بنی صدر، به شکل ضمنی با روحانیت مخالفت شده بود. در بخشی از این مقاله آمده است: «امروز متأسفانه بی‌توجهی‌های غیرمنتظره‌ای از جانب مراکز قدرت به مردم می‌شود که بر هیچ‌کس پوشیده نیست و دارد انقلاب را از جوشش می‌اندازد. انتخابات ریاست جمهوری نشان داد که آگاهی مردم ظرف همین یک‌سال، آنقدر بالا رفته که روحانیت را فقط در لباس مشخص نمی‌شناسد و مردان خدا را در هر لباسی شناسایی می‌نمایند...»[5] اما کمی بعد و با مشخص شدن نتایج انتخابات مجلس شورای اسلامی در دوم فروردین ۱۳۵۹. ش و پیروزی و ورود اکثر کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی به مجلس شورای اسلامی، دشمنی بنی‌صدر با حزب جمهوری اسلامی جدی‌تر و علنی‌تر شد.[6]

مطبوعات و نخست‌وزیری شهید محمدعلی رجائی

از آنجا که پس از تشکیل مجلس و ادای سوگند رئیس‌جمهور در حضور نمایندگان مردم[7]، ابوالحسن بنی‌صدر باید نخست‌وزیر خود را معرفی می‌کرد تا وی به تأیید نمایندگان مردم برسد[8]، وی در تاریخ اول مرداد ۱۳۵۹. ش و با رندی تمام، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی را به عنوان نخست‌وزیر پیشنهادی خود اعلام کرد اما در همان روز امام خمینی(ره) با این مسئله مخالفت کردند.[9] فردای آن روز بنی‌صدر نخست‌وزیر پیشنهادی دوم خود، یعنی مهندس مصطفی میرسلیم را معرفی کرد.[10] این درحالی بود که اکثریت نمایندگان مجلس - که عضو حزب جمهوری اسلامی یا بدان گرایش مند بودند- با مهندس میرسلیم موافق نبودند. البته در همان روز، روزنامه جمهوری اسلامی از جلال‌الدین فارسی به عنوان گزینه مورد نظر حزب جمهوری اسلامی، برای تصدی پست نخست‌وزیری یاد کرد.[11] پس از آن محمد جعفری -مدیر مسئول روزنامه انقلاب اسلامی که بعد از انتخاب بنی‌صدر به ریاست جمهوری مدیر روزنامه شده بود- در سرمقاله روز ۴ مرداد ۵۹ با عنوان «راه‌حل سیاسی» نوشت: «اگر جو مجلس در ضدیت با رئیس‌جمهور پیش برود و کسانی در این جهت کوشش کنند به وفاق توجه نکنند، خطرات مهمی همه را تهدید می‌کند و از همه مهم‌تر همانطوری که امام فرمودند، مکتب را و اسلام را تهدید می‌کند. ای نمایندگان محترم مجلس، سخت در وضعیت کشور بنگرید و به واقعیت گردن گذارید و از مقابله کردن اجتناب کنید...»[12]

متن این مقاله به گونه‌ای بود که گویی نمایندگان به خاطر عدم پذیرش جلال الدین فارسی از سوی بنی‌صدر با نخست‌وزیری میرسلیم مخالفت می‌کنند، ولی چند روز بعد که مصاحبه شهید آیت‌الله بهشتی در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شده بود، این اتهام کاملاً برطرف شد. شهید بهشتی در آن مصاحبه اظهار داشته بود: «مسئله صلاحیت و مکتبی بودن است... پیشنهاد اول حزب آقای جلال الدین فارسی هستند و پیشنهاد دوم، آقای رجائی وزیر آموزش و پرورش در دوره اخیر بودند و پیشنهاد سوم آقای میرسلیم و پیشنهاد چهارم آقای مهندس غرضی... اگر حزب می‌خواست روی مسائل گروهی تکیه کند، پیش خود می‌گفتند حال که آقای میرسلیم در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی است و مورد نظر آقای بنی‌صدر می‌باشد، بنابراین از نمایندگان حزب و همفکر حزب می‌خواهیم به میرسلیم رأی بدهند. حال که اینطور نیست و نمایندگان حزب، به فکر گروه‌گرایی نیستند...»[13]

بعد از قطعیت مخالفت نمایندگان مجلس با نخست‌وزیری مهندس میرسلیم، این کش و قوس‌ها بیشتر شد. بنی‌صدر در ستون «روزها بر رئیس‌جمهور چگونه می‌گذرد»، از توطئه علیه خود نوشت.[14] در مقابل روزنامه جمهوری اسلامی از قول آیت‌الله بهشتی، درباره اختلاف حزب جمهوری اسلامی با رئیس‌جمهور تیتر زد: «در زمینه رعایت معیارهای اسلامی، سازش مصلحت‌جویانه را حرام می‌دانیم...»[15] بالاخره با نظر هیئت بررسی -که منتخب رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی بودند- در تاریخ ۱۸ مرداد ۵۹، شهید محمدعلی رجائی به عنوان اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران با توافق نظر بنی صدر به مجلس شورای اسلامی معرفی شد و در تاریخ ۲۰ مرداد ۵۹، رجائی توانست رأی تمایل نمایندگان مجلس را کسب کند.[16]

کابینه شهید رجائی و واکنش مطبوعات

با شروع به کار دولت شهید محمدعلی رجائی، مخالفت بنی‌صدر و عطف بدان مطبوعات حامی او با کابینه برگزیده آغاز شد. مثلاً روزنامه میزان - به مدیر مسئولی رضا صدر و ارگان مطبوعاتی نهضت آزادی- در دومین شماره خود در خبری با عنوان «سخنان بی‌پرده رئیس‌جمهور با مردم»، از قول بنی صدر که در سالروز جمعه سیاه سخنرانی کرده بود، نوشت: «مردم تهران از من خواسته‌اند درباره مسائل، ریز صحبت کنم و توضیح بدهم. درباره عدم تفاهم با نخست‌وزیر و کابینه... مردم ما مردمی نیستند که تماشاگر صحنه سازان و توطئه پردازان باشند...»[17] در همان روز روزنامه کیهان هم با درج متن سخنرانی بنی صدر در میدان شهدای تهران به مناسبت ۱۷ شهریور، از قول وی تیتر زد: «یک گروه اقلیت می‌کوشد، رهبری نهادهای انقلابی، رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها را در دست گیرد...»[18] البته دو روز بعد روزنامه کیهان در مصاحبه با آیت‌الله بهشتی و از قول ایشان، اتهامات بنی‌صدر را درباره انحصارگرایی حزب جمهوری اسلامی تکذیب کرد.[19]

در طول نیمه پایانی مردادماه و در کل ماه شهریور ۱۳۵۹. ش فضای سیاسی کشور درگیر مخالفت‌های ابوالحسن بنی صدر با وزرای پیشنهادی شهید محمدعلی رجائی بود. با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، روزنامه میزان و انقلاب اسلامی، دائماً از حضور بنی صدر در نوار مرزی خوزستان خبر می‌دادند و از او به عنوان تعیین کننده سرنوشت جنگ یاد می‌کردند.[20] این در حالی بود که خرمشهر، هر روز بیشتر از روز قبل به زیر چکمه بعثی‌ها می‌رفت و فریاد مدافعان خرمشهری، از کارشکنی‌های بنی صدر بر هوا بود! از سوی دیگر رئیس‌جمهور در تعیین وزرای کابینه رجائی، به شدت کارشکنی می‌کرد. هشت وزارتخانه، چند ماه بود که وزیر نداشت و با سرپرست اداره می‌شد! با میانجی‌گری افراد مختلف و بعد از گذشت چند ماه، بالاخره بنی صدر با شش وزیر پیشنهادی شهید رجائی موافقت کرد. این وزارتخانه‌ها شامل آموزش و پرورش، اقتصاد و دارایی، بازرگانی، کار و امور اجتماعی، کشور و نفت بودند. این در حالی بود که تا زمان عزل بنی صدر از سوی امام، دو وزارتخانه «امور خارجه» و «دادگستری»، همچنان بدون داشتن وزیر و با سرپرست اداره می‌شد![21] این کارشکنی‌ها به نوعی دیگر، در فضای مطبوعات هم ادامه داشت. مثلاً بنی صدر در تاریخ ۲ آذر ۱۳۵۹. ش در ستون «کارنامه رئیس‌جمهور» روزنامه انقلاب اسلامی نوشت: «آنها که علم دارند، بهتر می‌دانند که حقیقت دین چیست... امروز هم چون اینان می‌خواهند حکومت کنند و علم آن را ندارند، تخصص را منکر می‌شوند تا حکومت نادانان و جاهلان و بی‌مایگان را توجیه کنند. در نامه به امام هم نوشته‌ام و در مصاحبه با روزنامه هم گفته‌ام، کسی به مظلومیت من در حکومت، لااقل در تاریخ دو، سه قرن اخیر نبوده است! دست و پای مرا بسته‌اند و می‌گویند: بجنگ! و من پذیرفته‌ام و دارم می‌جنگم. با این حال می‌آیند و باز هم بندهای تازه‌ای به دست و پای من می‌گذارند...»[22]

نشریه «پیام جبهه ملی» هم در تاریخ ۲۱ دی ۱۳۵۹. ش و در ملبی با عنوان «تا کی می‌خواهید هر صدایی را در گلو خفه کنید»، نوشت: «آقای رجائی به عنوان نخست‌وزیر، مسئولیت این همه بی‌قانونی و خلافکاری‌های عوامل حکومت و مرکز قدرت را به عهده گیرد...»[23]

این درحالی بود که عملاً و علناً، بی‌قانونی‌ها و خلافکاری‌ها از سوی ابوالحسن بنی صدر انجام می‌شد. رفتاری که تا زمان اعلام عدم کفایت سیاسی‌اش از سوی نمایندگان مجلس و سپس عزلش از سوی امام خمینی ادامه پیدا کرد.

کلام آخر

باید توجه داشت که اختلاف ابوالحسن بنی‌صدر با شهید محمدعلی رجائی، اختلافی مبنایی و ریشه‌ای بود. اختلافی که براساس دو نگاه متفاوت به حکومت اسلامی و به ویژه اصل «ولایت فقیه»، در قانون اساسی شکل گرفته بود. محمدعلی رجائی نماینده تفکری بود که خط امامی نامیده می‌شد و اعتقاد داشت که وزرای دولت باید تابع دستورات امام‌خمینی و پایبند کامل به آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی باشند. اما بنی صدر از آنجا که خود را بزرگ‌ترین «اندیشه قرن معاصر!» می‌دانست نگاه امام را در اداره کشور قبول نداشت و می‌خواست با تفکر التقاطی‌اش کشور را اداره کند. همین زاویه نگاه به رهبری انقلاب و حکومتداری، اساس اختلاف بنی صدر و شهید رجائی بود. امری که نهایتاً به فرار ابوالحسن بنی‌صدر و شهادت محمدعلی رجائی و نخست‌وزیرش محمدجواد باهنر انجامید.

شهید رجائی نماینده تفکری بود که خط امامی نامیده می‌شد و اعتقاد داشت که وزرای دولت باید تابع دستورات امام خمینی و پایبند کامل به آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی باشند. اما بنی صدر از آنجا که خود را بزرگ‌ترین «اندیشه قرن معاصر!» می‌دانست، نگاه امام را در اداره کشور قبول نداشت و می‌خواست با تفکر التقاطی‌اش امور را اداره کند. همین زاویه نگاه به حکومتداری، اساس اختلاف بنی‌صدر و رجائی بود

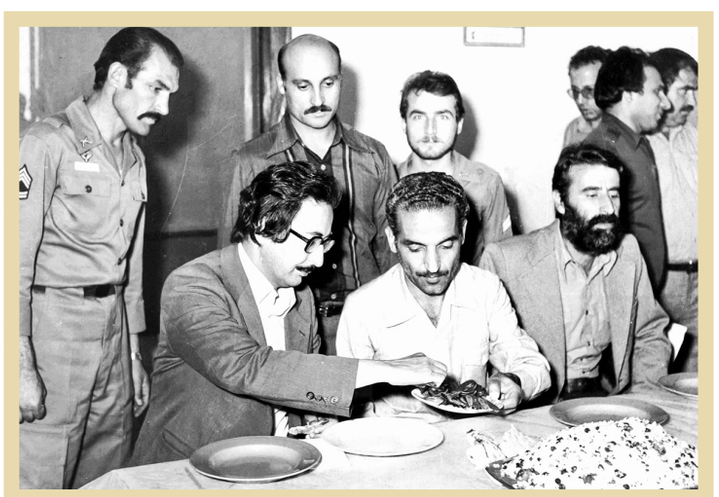

۱۳۵۹. شهید محمدعلی رجائی در کنار ابوالحسن بنی صدر

منابع:

۱- مکاتبات شهید رجائی با بنی صدر- و چگونگی انتخاب اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران-، کیومرث صابری فومنی، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰. ش، ص ۱۰

۲- همان، ص۳

۳- مجاهد ایران، شماره ۱۲، مورخ ۵ اسفند ۱۳۵۸. ش، صص ۱ و ۴

۴- روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲۱۲، مورخ ۲۱ اسفند ۵۸، صص ۱ و ۳

۵- روزنامه بامداد، شماره ۲۴۱، مورخ ۲۳ اسفند ۱۳۵۸. ش، صص ۱ و ۹

۶- به ویژه بعد از جریان «نوار آیت» و چاپ متن نوار جلسه خصوصی عده‌ای از دانشجویان با شهید سیدحسن آیت در روزنامه انقلاب اسلامی- شماره ۳۱۶، مورخ ۲۸ خرداد ۱۳۵۹. ش- بنی صدر و طرفدارانش بهانه‌ای اساسی را برای حمله به حزب جمهوری اسلامی و مخالفان خود پیدا کردند. البته این هجمه نه تنها از سوی روزنامه انقلاب اسلامی که در روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۱۶۸، مورخ ۲۸ خرداد ۱۳۵۹. ش، صص ۱ و ۳؛ روزنامه بامداد، مورخ ۲۹ خرداد ۵۹، ص ۱ با عنوان «متن نوار آیت علیه رئیس‌جمهوری افشا شد». البته در میان روزنامه‌ها، روزنامه کیهان تنها روزنامه‌ای بود که علاوه بر درج اخبار مربوط به نوار آیت، در شماره‌های ۱۱۰۲۴ و ۱۱۰۲۵، مورخ ۲۹ و ۳۱ خرداد ۵۹، مصاحبه‌هایی با خود سیدحسن آیت داشت و نظرات وی را نیز منعکس کرد.

۷- بنی صدر در تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۵۹. ش در حضور نمایندگان مراسم سوگند را به جای آورد.

۸- مکاتبات شهید رجائی با بنی صدر- و چگونگی انتخاب اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران-، کیومرث صابری فومنی، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰. ش، ص ۱۱

۹- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۱۹۷، مورخ اول مرداد ۱۳۵۹. ش، ص ۲ -و- روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۱۱، مورخ اول مرداد ۱۳۵۹. ش، صص ۱ و ۲

۱۰- روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۱۲، مورخ پنج‌شنبه ۲ مرداد ۱۳۵۹. ش، ص ۱

۱۱- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۳۲، مورخ ۲ مرداد ۱۳۵۹. ش، صص ۱ و ۲

۱۲- روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۱۳، مورخ شنبه ۴ مرداد ۱۳۵۹. ش، ص ۱

۱۳- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۳۸، مورخ ۹ مرداد ۱۳۵۹. ش، صص ۱ و ۳

۱۴- روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۲۰، مورخ ۱۴ مرداد ۱۳۵۹. ش، ص ۳

۱۵- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۴۰، مورخ ۱۴ مرداد ۱۳۵۹. ش، ص ۱

۱۶- مکاتبات شهید رجائی با بنی صدر- و چگونگی انتخاب اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران-، کیومرث صابری فومنی، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰. ش، صص ۶۳ و ۶۹

۱۷- روزنامه میزان، شماره ۲، مورخ ۱۸ شهریور ۱۳۵۹. ش، صص ۱ و ۲

۱۸- روزنامه کیهان، شماره ۱۱۰۸۹، مورخ ۱۸ شهریور ۱۳۵۹. ش، صص ۱ و آخر

۱۹- روزنامه کیهان، شماره ۱۱۰۹۱، مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۵۹. ش، ص ۳

۲۰- روزنامه میزان، شماره ۱۵، مورخ ۵ مهر ۱۳۵۹. ش، صص ۱ و ۷ -و- روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۶۳، مورخ ۵ مهر ۱۳۵۹. ش، صص ۱ و ۲ یا روزنامه میزان، شماره ۵۱، مورخ ۱۹ آبان ۱۳۵۹. ش، صص ۱ و ۲ که در آن از حضور مقتدرانه! بنی صدر در جبهه‌ها تجلیل بسیار شده بود.

۲۱- مکاتبات شهید رجائی با بنی صدر- و چگونگی انتخاب اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران-، کیومرث صابری فومنی، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰. ش، صص ۱۳۳ و ۱۳۴

۲۲- روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۴۱۴، مورخ ۲ آذر ۱۳۵۹. ش، صص ۱ و ۲

۲۳- پیام جبهه ملی، شماره ۴۷، مورخ ۲۱ دی ۱۳۵۹. ش، ص ۱